

تفر از جنگ و هیات حاکمه آمریکا!

ر- بابک

جنگ وحشیانه‌ای در عراق به بهای فدا شدن جان انسان‌های بی‌دفاع با شدت تمام ادامه دارد. سازمان ملل، از عملکرد کجدار و مریز خود نیز باز مانده است. آمریکا، بریتانیا و اسپانیا، پیش از برگزاری نشست شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه پیشنهادی خود را برای حمله نظامی به عراق، پس گرفتند. چرا که قطعاً می‌دانستند این قطعنامه جدید پیشنهادی‌شان نیز مورد تصویب قرار نخواهد گرفت. بدین ترتیب رهبران این سه کشور، سازمان ملل را دور زدند و راه را برای حمله نظامی به عراق، بدون مجوز شورای امنیت هموار کردند. اساساً حمله به عراق، چه با اجازه و چه بدون اجازه سازمان ملل، عملی زشت، وحشیانه و غیرانسانی است که هیچ انسان آزادی‌خواه و نوع‌دوست نمی‌تواند در محکومیت آن کم‌ترین تاملی از خود نشان دهد.

کالین پاول وزیر امور خارجه آمریکا، بلافاصله پس از این تصمیم، بر صفحه تلویزیون ظاهر شد و اعلام کرد: «سازمان ملل در جهت خلع سلاح عراق شکست خورد و دیپلماسی به پایان رسید». به دنبال او، بوش رییس جمهور آمریکا، به صدام حسین رییس جمهور عراق، اولتیماتوم داد که یا باید سریعاً عراق را ترک کند و یا با خطر جنگ روبه‌رو شود. پس از پایان این اولتیماتوم، بوش، از طریق تلویزیون، فرمان جنگ خونینی را برای اعمال سلطه امپریالیستی به جهان صادر کرد.

بدین ترتیب کارکرد هر چند ضعیف سازمان ملل متحد، نیز از بین رفت. در عین حال هیات حاکمه آمریکا، با حمله به عراق، با شکست بزرگی مواجه شد و بیش از پیش روشن شد که استراتژی آمریکا، برای تک قطبی کردن جهان، در راستای سیاست‌های دل‌خواه‌اش و اعمال سلطه بلامنازع‌اش نیز با شکست مواجه گردید. از هم اکنون چند قطبی شدن جهان، پس از فروپاشی شوروی و پایان دوران جنگ سرد در حال شکل گرفتن است و رقبایی در مقابل آمریکا، مانند فرانسه و آلمان و... سربلند کرده‌اند. آمریکا، در حمله اخیر خود به عراق، موفق نشد همانند سال ۱۹۹۱، که به دنبال فروپاشی شوروی، برای برقراری «نظم نوین جهانی» در حمله به عراق و یا بعداً به یوگسلاوی و افغانستان، هم‌سویی دولت‌های اروپایی و یا روسیه و چین و حتی یاران استراتژیک خود مانند ترکیه را نیز با سیاست‌های جنگی خود همراه سازد. از سوی دیگر، مهم‌تر از همه یک جنبش قوی و عظیم بین‌المللی علیه جنگ آمریکا و متحدانش در سطح جهان شکل گرفت که اکثر آن‌ها نیروهای جوان آزادی‌خواه، صلح‌طلب و مخالف تبعیض، فاشیسم و راسیسم و محدود کردن آزادی‌های سیاسی و رفاه اجتماعی هستند. همچنین روزه‌های جدید و امیدوار کننده‌ای در راستای مبارزه طبقاتی رادیکال و

انترناسیونالیستی، در میان سازمان‌ها و احزاب چپ و کمونیست و نهادهای کارگری، بر علیه سیستم سرمایه‌داری و میلیتاریسم آن در حال گسترش است.

اما روایتی که رسانه‌های گروهی از جنگ خونین و غیرانسانی آمریکا و بریتانیا، به دست می‌دهند دل‌بخواه و متناقض و وقیحانه هستند و هیچ‌گونه معیارهای اخلاقی و ارزش‌های انسانی را در نظر نمی‌گیرند. چندی پیش شبکه خبری بی‌بی‌سی اعلام کرد، پنتاگون برای اطمینان یافتن از پوشش خبری جنگ آینده در عراق، عده‌ای از خبرنگاران را آموزش می‌دهد. مدیر امور ارتباطات ژنرال تامی فرانکس فرمانده کل نیروهای نظامی آمریکا در منطقه می‌گوید، این استراتژی در کاخ سفید تدوین شده است که: پیام خود را مستقیم به مردم برسانید. اما نقش خبرنگاران هم نادیده گرفته نشده است. کاخ سفید اخیراً ۲۵۰ هزار دلار در بخش اتاق مطبوعات که مخصوص نشست با خبرنگاران است سرمایه‌گذاری کرده است. صدها خبرنگار در این بخش با وسایل و تجهیزات پیشرفته آخرین اخبار جنگ را پی‌گیری می‌کنند. این در حالی است که پنتاگون ۵۰۰ خبرنگار را به منطقه جنگی می‌فرستد. بدین سان عملکرد رسانه‌های رسمی در منحرف کردن افکار عمومی مردم، در راستای تقویت سیاست‌های میلیتاریستی و جنگی آمریکا و متحدانش بر علیه بشریت است.

اما در همان حدی نیز که واقعیت‌ها از لابلای رقابت‌ها رسانه‌ها دستگیر انسان می‌گردد، بسیار هولناک و تکان‌دهنده است: «پنتاگون می‌گوید، هواپیماهای ائتلافی طی سه روز گذشته بیش از سه هزار بمب هدایت‌شونده «هوشمند» پرتاب کرده‌اند و باعث «تضعیف شدید» نیروهای عراقی شده‌اند. با این حال به گفته خبرنگار بی‌بی‌سی تاکنون نشانی از فروپاشی در ساختار داخلی عراق مشاهده نشده است». (سایت اینترنتی بی‌بی‌سی، اول آوریل ۲۰۰۳) این تنها یک نمونه از انبوه اخبار جنگ آمریکا و متحدانش علیه مردم عراق است. حال در این میان چند هزار موشک زمین به زمین که از کشتی‌های آمریکایی و بریتانیایی به شهرها و روستاهای عراق پرتاب شده است و چه تعداد از کودکان، زنان، جوانان و سال‌خوردگان جان خود را از دست داده‌اند، آماری در دست نیست. همچنین معلوم نیست که چرا این موشک‌های «هدایت‌شونده»، «هوشمند» و «دقیق»، ده‌ها کیلومتر منحرف شده و به شهرهای مرزی ایران و یا به اتوبوس مسافری در مرز سوریه اصابت می‌کنند؟! یا چرا به یکی از شهرهای شرق ترکیه اصابت کرد؟

هنوز چند روزی از آغاز جنگ نگذشته بود که شوق و ذوق آمریکا و متحدانش که فکر می‌کردند عراق را سریع اشغال خواهند کرد و مردم این کشور نیز با شاخه‌های گل، به استقبال سربازان «پیروز اشغالگر» خواهند شتافت، به یاس و سرخوردگی تبدیل شد. نیروهای آمریکایی و بریتانیایی، علاوه بر این که با مقاومت ارتش عراق روبه‌رو شده‌اند، بلکه با نفرت و مقاومت مردم این کشور و با

اعتراض میلیون‌ها تن از مردم جهان که در همبستگی با مردم عراق و بر علیه جنگ دست به تحصن، اعتصاب و اعتراض می‌زنند، مواجه شدند. اکثریت مردم جهان با صدای بلند از هر فرصت و امکان و تریبونی فریاد می‌زنند: این جنگ بر سر دموکراسی و دیکتاتوری نیست. قتل عام مردم عراق، ویران کردن منابع آب و برق، مدارس، بیمارستان‌ها، جاده‌ها و شاهراه‌ها، روستاها و شهرها و جلوگیری از فعالیت گروه‌های کمک‌رسانی به مردم عراق و بستن مرزها به روی آوارگان جنگی، چه ربطی به دموکراسی و دیکتاتوری دارد؟ این جنگی است که از هیروشیما، ناکازاکی، ویتنام، نیکاراگوئه، گرانادا، سومالی، یوگسلاوی، افغانستان تا عراق ادامه دارد و فردا نیز شاید بمب‌های آمریکا و متحدانش بر سر مردم کشور دیگری احتمالا ایران ریخته شود، نه در گذشته و نه در حال حاضر ابدا به نفع بشریت نبوده است و نیست. برای مثال طیف سلطنت طلب ایران، روزشماری می‌کند که هر چه سریع‌تر جنگ آمریکا و بریتانیا بر علیه مردم عراق با «موفقیت» خاتمه یابد تا نوبت ایران برسد. هدف اصلی از این جنگ‌ها و اکنون نیز جنگ عراق، برای تامین نیازهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و توسعه قلمرو آمریکاست. جرج بوش پدر، در یکی از سخن رانی‌های خود در جنگ اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ گفته بود، هدف از این جنگ «اعاده رهبری» و «قابل اتکا» بودن آمریکا است.

این جنگ باید قطع گردد!

جنگی که آمریکا و متحدانش بر علیه مردم عراق راه انداخته‌اند، وحشی‌گری و بربریت هیات حاکمه این دو کشور را نشان می‌دهد. هیچ‌کس باور نمی‌کند که با استفاده از مدرن‌ترین سلاح‌های کشتار جمعی و نسل‌کشی و ویرانی اماکن عمومی و تخریب محیط زیست می‌توان، سلاح‌ها کشتار جمعی را نابود کرد. هیچ‌کس باور نمی‌کند که با لشکرکشی، سرکوب و کشتار می‌توان دیکتاتوری را از بین برد و دموکراسی برقرار ساخت. این جنگ، به خشونت و درگیری دامن می‌زند و خشونت‌های ملی و مذهبی و حس انتقام را تقویت می‌کند. هیات حاکمه آمریکا، در سایه این جنگ، حتا بی‌حقوقی و فضای پلیسی را در داخل ایالات متحده آمریکا نیز گسترش می‌دهد و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از بین می‌برد. رفاه اجتماعی را محدود می‌سازد و ده‌ها هزار انسان را بی‌کار می‌کند. از این جنگ امپریالیستی، نه شهروندان آمریکایی و اروپایی سود می‌برند و نه شهروندان ترکیه‌ای، ایرانی، فلسطینی، عربی و... در این جنگ، فقط مردم عراق کشتار می‌شوند. این جنگ در راستای اهداف غیرانسانی اقتصادی، سیاسی و نظامی آمریکا و متحدانش است. این جنگ، صف‌بندی و قطب‌بندی جدیدی را در سطح منطقه و در سطح بین‌المللی به وجود می‌آورد.

نگرش به این جنگ، اهداف آتی هر فرد و جریانی را آشکار می‌سازد. مثلا طیف سلطنت طلب ایرانی که تا دیروز به دلیل این که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی بود، می‌توانست توجه برخی از

مردم ایران را به خود جلب کند، اما اکنون به دلیل این که به سخن‌گویان فارسی زبان پنتاگون و افسران آمریکایی تبدیل شده‌اند و محافل هیات حاکمه آمریکا را برای حمله نظامی به ایران تشویق می‌کنند، حتا در نزد طرفداران‌شان نیز بدنام و در حال طرد شدن هستند. طیف سلطنت‌طلبان که با حمله آمریکا به عراق، زبان زمخت و پرخاشگری نه تنها بر علیه سازمان‌ها و احزاب و فعالین چپ و کمونیست ایرانی، بلکه بر علیه میلیون‌ها انسانی که در سراسر جهان بر علیه جنگ و در دفاع از مردم عراق به پا خاسته‌اند، پیدا کرده‌اند. بنابراین سیاست‌های امروزی داریوش همایون‌ها و رضا پهلوی‌ها را به سیاست‌های دیروزی محمدرضا پهلوی و زاهدی در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ وصل می‌کند. با این تفاوت که ابعاد جنایت و ویران‌گری امروزی طیف سلطنت‌طلبان در صورت برآورده شدن آرزوهای شوم‌شان صدها برابر از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، وسیع‌تر خواهد بود. سرنگونی جمهوری اسلامی، آرزوی ۲۴ ساله کارگران، زنان، جوانان، دانشجویان و مردم محروم و تحت ستم است، اما در کنار سیاست‌های آمریکا و بریتانیا قرار گرفتن آن‌هم در روزهایی که مردم عراق زیر بمباران‌ها و موشک‌باران‌های وحشیانه نیست و نابود می‌شوند عملاً تقویت جبهه جنگ‌طلبان و کودتاگران و کند کردن سرنگونی جمهوری اسلامی، توسط توده‌های مردم است.

بنابراین این جنگ باید متوقف شود، به دلیل این که بی‌حقوقی و تبعیض و ناامنی را بر بشریت تحمیل می‌کند؛ به گرایش‌های خرافی ملی و مذهبی دامن می‌زند و حرمت انسانی را زیر سؤال می‌برد. روز به روز تنفر انسان‌های آزادی‌خواه، کارگران و کمونیست‌ها از جنگ و هیات حاکمه ایالات متحده آمریکا، فزونی و گسترش می‌یابد.

باید همراه با تلاش‌های بی‌وقفه برای قطع این جنگ وحشی و ویران‌گر و محکوم کردن دخالت‌های امپریالیستی در کار و زندگی و مبارزه مردم کشورهای دیگر، همبستگی بین‌المللی انسانی و برابری را تبلیغ کرد و مدافع حق تعیین سرنوشت و حقوق انسانی مردم عراق، مردم کرد و مردم فلسطین شد.

اول آوریل ۲۰۰۳

برگرفته از جهان امروز ۱۰۳